

گروه دبیران ادبیات کشور

#گروه دبیران ادبیات کشور

#تحلیل درس سوم

#علوم و فنون ادبی دوازدهم

#مراعات نظیر تلمیح تضمین

تهیه و تنظیم: مریم بهوندی

✓✓ پیش گفتار

✓ بدیع:

بدیع در لغت به معنی تازه و نو است.

و در ادب فارسی به مجموعه آرایه هایی گفته می شود که به زیبایی لفظی و معنایی می افزایند.

✓ آرایه های لفظی به آرایه هایی گفته می شود که با تغییرات آوایی و موسیقایی سر و کار دارند (از نظر لفظی و تلفظ باعث زیبایی کلام می شوند) مانند: سجع، جناس، موازنه و ترصیع، تکرار، تصدیر و واج آرایی که در حوز بدیع لفظی از آن ها سخن به میان آمد.

مثلا در بیت زیر شاعر با استفاده از دو واژه ی " بیش و پیش " به علت هم وزنی دو کلمه و همسانی آن ها در دو واج یعنی از لحاظ تلفظ، سبب افزایش موسیقی درونی و لفظی شده است و (جناس) جزء آرایه های لفظی است ﴿﴾

✓ پیش از اینت بیش از این اندیشه عشاق بود

مهرورزی تو با ما شهره ی آفاق بود

✓ آرایه های معنوی به آرایه هایی گفته می شود که از لطف تعبیر و زیبایی معنی به وجود می آیند (یعنی حسن و تزئین کلام مربوط به معنی است نه لفظ) مانند: مراعات نظیر، تلمیح، تضمین، تضاد، تناقض، ایهام، لف و نشر، اغراق و حس آمیزی که در حوزه بدیع معنوی جای می گیرند.

مثلا در بیت زیر دو واژه " صبح و شام " و نیز دو واژه " ازل و ابد " از نظر معنی متضاد هستند و این تضاد معنی، باعث افزایش موسیقی معنوی بیت شده است و (تضاد) جز آرایه های معنوی است ﴿﴾

✓ از دم صبح ازل تا آخر شام ابد

دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود

● بنابراین علمی که به بازشناسی و مطالعه ی آرایه های لفظی و معنوی می پردازد " بدیع " نام دارد.

در این درس به معرفی سه آرایه از آرایه های بدیع معنوی خواهیم پرداخت:

مراعات نظیر

تلمیح

تضمین

✓✓ مراعات نظیر:

✓ مراعات نظیر در لغت:

به معنی تناسب ها و هماهنگی هاست (مراعات: رعایت، ملاحظه کردن / نظیر: مثل و مانند / مراعات نظیر: رعایت کردن ماندها و نظیرها)

✓ در اصطلاح ادبی:

آوردن واژه هایی در سخن است که با یکدیگر ارتباط معنایی داشته باشند؛ به عبارت دیگر اجزایی از یک کل معنایی می باشند.

زیبایی مراعات نظیر در تعامل و هم نشینی واژه هاست.

● به زبان ساده تر وقتی شاعر یا نویسنده از واژه هایی استفاده کند که جز یک مجموعه باشند و به نوعی با هم تناسب داشته باشند و این تناسب واژه ها می تواند از نظر جنس، نوع، مکان، زمان، زمان، همراهی و ... باشد.

● وقتی دیدن یک واژه، واژه یا واژگان دیگر را تداعی کند، بین واژه ها مراعات نظیر به وجود می آید.

مثلا دیدن گل، بهار، سرسبزی، طراوت، دشت و.... به یاد می آورد.

● این آرایه ی معنوی بیش از هر آرایه ی دیگر در شعر و نثر فارسی به کار می رود.

به نمونه های زیر دقت کنید

"من مسلمانم

قبله ام یک گل سرخ

جانمازم چشم، مهرم نور

دشت سجاده ی من "

"سهراب سپهری"

در این شعر واژه های: "مسلمان، قبله، جانماز، مهر و سجاده" ارتباط معنایی دارند. می توان گفت زیبایی و تناسبی که در بیت وجود دارد از هم نشینی این واژه ها به وجود آمده است.

✓ بیستون کندن فرهاد نه کاری است شگفت

شور شیرین به سر هر که فتد کوهکن است

"هما شیرازی"

همانطور که مشاهده می کنید در بیت بالا واژه کوهکن با فرهاد و شیرین تناسب دارد و تعامل معنایی این واژگان موجب زیبایی و تاثیر گذاری شعر شده است.

گروه دبیران ادبیات کشور
https://t.me/adabiate10

✓ هر کو نظری دارد با یار کمان ابرو

باید که سپر باشد پیش همه پیکان ها

"سعدی"

در این بیت واژه های "کمان، سپر و پیکان" ایجاد مراعات نظیر می کنند چون همه ابزار جنگی هستند.

✓ چترها را باید بست

زیر باران باید رفت

"سهراب سپهری"

واژه های "چتر و باران" به نوعی با هم تناسب دارند چون هر کدام تداعی کننده ی واژه دیگریست و مراعات نظیر دارند.

✓ شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل

کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها؟

"حافظ"

واژه های "موج، گرداب و ساحل" مراعات نظیر دارند.

✓ سر من مست جمالت، دل من رام خیالت

گهر دیده نثار کف دریای تو دارد

"مولوی"

واژه های "سر، دل و دیده" و نیز واژه های "گهر، کف و دریا" ایجاد موسیقی معنوی و مراعات نظیر می کنند.

✓ گر چه گاهی شهابی / مشق های شب آسمان را زود خط می زد و محو می شد / باز در آن هوای مه آلود / پاک کن هایی از ابر تیره خط

خورشید را پاک می کرد.

"قیصر امین پور"

واژه های " شهاب، آسمان، هوای مه آلود، ابر تیره و خورشید " و نیز واژه های " مشق شب، خط زدن، محو شدن، پاک کن، خط و پاک کردن " مراعات نظیر دارند.

✓ ناگهان/عشق/آفتاب وار/نقاب برافکند/ و بام و در/ به صورت تجلی/ درآکند/ شعشعه ی آذرخش وار/ فروکاست/ و انسان/ برخاست.

"احمد شاملو"

واژه های " آفتاب، تجلی، شعشعه، آذرخش وار " و نیز " بام و در " ایجاد مراعات نظیر می کنند.

✓✓ تلمیح :

تلمیح در لغت :

یعنی به گوشه چشم اشاره کردن است.

در اصطلاح ادبی:

وقتی شاعر یا نویسنده به یک داستان، آیه، حدیث، مثل یا به مصراع یا بیتی از شاعر دیگر اشاره کند.

و در واقع تلمیح یعنی گنجاندن یک داستان بلند در سخنی کوتاه است که معانی بسیار را در کمترین واژه ها جای می دهد و این ایجاز از جهت هنری، بسیار مهم و قابل توجه است.

✓ لازمه ی بهرمندی از تلمیح، آگاهی از دانسته ای است که شاعر یا نویسنده به آن اشاره می کند.

✓ گاهی تلمیحات، مراعات نظیر هم هستند مثل نمونه های زیر: ﴿﴾ ﴿﴾

ما قصه ی سکندر و دارا نخوانده ایم

از ما بجز حکایت مهر و وفا مپرس

واژه های سکندر و دارا تلمیح دارد به حمله اسکندر مقدونی به ایران و شکست داریوش سوم هخامنشی.

و نیز این واژه ها به نوعی با هم تناسب و مراعات نظیر نیز دارند

و واژه های "مهر و وفا" هم تلمیح دارد به داستان عاشقانه که قهرمانانش "مهر و وفا" نام داشته اند

و هم مراعات نظیر دارند.

به تولای تو در آتش میخنت چو خلیل

گویا در چمن لاله و ریحان بودم

واژه های "آتش و خلیل" هم تلمیح دارد به داستان در آتش انداختن حضرت ابراهیم(ع) به دستور نمرود و هم مراعات نظیر دارند.

نمونه هایی از تلمیح: ﴿﴾ ﴿﴾

✓ این مه که چون منیژه لب چاه می نشست

گریان به تازیانه ی افراسیاب رفت

"فریدون مشیری"

همان گونه که مشاهده می کنید اشاره به منیژه تمام داستان بیژن و منیژه را در ذهن خواننده تداعی می کند و تمام ماجرا را به یاد می آورد و این یادآوری سبب می شود که خواننده بیشتر از بیت لذت ببرد.

✓ بی گمان پای چیرهاشان جا پای خداست.

"سهراب سپهری"

این عبارت تلمیح به آیه "فَإِنَّمَا تَوَلَّوْا فِئْمَ وَجْهَ اللَّهِ" (بقره ۱۱۵) دارد.

✓ گفت آن یار کز او گشت سردار بلند

جرمش این بود که اسرار هویدانی کرد

"حافظ"

تلمیح به داستان بر دار کردن حسین بن منصور حلاج.

✓ نه خدا توانمش خواند نه بشر توانمش گفت

متحیرم چه نامم شه فلک لافتی را

"شهریار"

تلمیح به حدیث "لا فتی الا علی لا سیف الا ذوالفقار"

✓ عشرتی دارم به یاد روی آن گل در قفس

عشق افکنده است با یوسف به یک زندان مرا

"رهی معیری"

تلمیح به داستان زندانی شدن حضرت یوسف (ع).

✓ مجنون که به دیوانه گری شهره ی شهر است

در دست جنون همسفر عاقل ما بود

"فروغی یزدی"

تلمیح به داستان دلدادگی مجنون به لیلی.

✓ جانم ملول گشت ز فرعون و ظلم او

آن نور روی موسی عمرانم آرزوست

"مولوی"

گروه دبیران ادبیات کشور
<https://t.me/adabiate>

تلمیح به داستان مبارزه ی حضرت موسی(ع) با فرعون ظالم به فرمان خداوند.

✓ یا رب این آتش که بر جان من است

سرد کن زان سان که کردی بر خلیل

" حافظ "

تلمیح به داستان در آتش انداختن حضرت ابراهیم(ع) توسط نمرود و سرد شدن آتش به فرمان خداوند.

✓ گرش بینی و دست از ترنج شناسی

روا بود که ملالت کنی زلیخا را

" سعدی "

تلمیح به داستان ملامت کردن زلیخا که برای زنان مصر بهمانی ای ترتیب داد تا آن ها را با حضرت یوسف رو به رو کند و آن ها با دیدن جمال یوسف نبی، مدهوش شده و به جای ترنج دست های خود را بریدند.

✓✓ تضمین

✓ تضمین در لغت:

یعنی کسی یا چیزی را ضامن گردانیدن، در پناه و جای آوردن، چیزی را در چیزی نهادن.

✓ تعریف تضمین در اصطلاح ادبی :

وقتی عین آیه، حدیث، مصراع، بیت، اصل نوشته یا سخن دیگری را بر سبیل تمثیل و عاریت در شعر یا نثر بیاورند، تضمین گویند.

✓ چند نکته:

۱- تضمین هم در شعر کاربرد دارد هم در نثر و جز آرایه های معنوی است.

۲_ در تضمین شعر یا نوشته ی دیگران، اشاره به نام آن شاعر یا نویسنده لازم است؛ مگر آن که به دلیل شهرت بی نیاز از ذکر نام باشد.

۳_ با به کار گیری تضمین شاعر یا نویسنده مقصود خود را بهتر بیان می کند و با ایجاد تنوع سبب لذت خواننده می شود.

۴_ به کارگیری تضمین، آگاهی شاعر را از موضوعات مختلف نشان می دهد.

به نمونه های زیر توجه کنید

✓ حافظ از جور تو، حاشا که بگرداند روی

"من از آن روز که در بند توام، آزادم"

حافظ در این بیت یک مصراع از غزل سعدی را تضمین کرده است.

✓ خیز تا خاطر بدان ترک سمرقندی دهیم

کز نسبمش "بوی جوی مولیان آید همی"

همچنین حافظ در این بیت یک مصراع از شعر رودکی را تضمین کرده است.

✓ بهر این فرمود رحمان ای پسر

"کل یوم هو فی شان" ای پسر

در این بیت مولوی یک آیه از قرآن را تضمین کرده است.

✓ درویش بی معرفت نیارآمد تا فقرش به کفر انجامد: "کاد الفقر ان یكون کفراً"

سعدی در این عبارت حدیثی را در اثنای سخن خود آورده و با ایجاز به بهترین شکل، ارتباط بین کفر و فقر نشان داده است.

✓ چه زخم چونای هر دم ز نوای شوق او دم

که لسان غیب خوشتر بنوازد این نوا را

"همه شب در این امیدم که نسیم صبحگاهی

به پیام آشنایی بنوازد آشنا را"

شهریار در اثنای غزلش بیتی از حافظ را تضمین کرده است.

✓ مه من نقاب بگشا ز جمال کبریایی

که بتان فروگذارند اساس خودنمایی

"شده انتظارم از حد، چه شود ز در در آیی؟

چه کنم که هست این ها گل باغ آشنایی"

هاتف اصفهانی بیتی از غزل فخرالدین عراقی را تضمین کرده است.

✓ بیداری زمان را با من بخوان به فریاد

ور مرد خواب و خفتی

"رو سر بنه به بالین تنها مرا رها کن"

دکتر شفیع کدکنی مصرعی از مولوی را تضمین کرده است.

و یا در نمونه های زیر سعدی آیه ای از قرآن را آورده و آن را تضمین کرده است ﴿﴾ ﴿﴾

گروه دبیران ادبیات کشور
https://t.me/adabiate10

✓ _ موسی (ع) قارون را نصیحت کرد که "أحسن كما أحسن الله اليك"

✓ زینهار! از قرین بد، زینهار

"و قنا ربنا عذاب النار"

● همانطور که ملاحظه می شود معمولاً نمونه ای که شاعر یا نویسنده تضمین می کند چون حالت نقل و قول دارد در گیومه گذاشته می شود.

۱_ در بیت های زیر توجه یی مراعات نظیر بین کدام واژگان ایجاد شده است؟ مشخص کنید:

الف) مه روشن میان اختران پنهان نمی ماند

میان شاخه های گل مشو پنهان که پیدایی

❖ مه و اختران.

❖ شاخه ها و گل.

ب) چون در این میدان نداری دست و پای همجو گوی

اختیار سر به زلف همجو چو گانش گذار

❖ دست، پا، سر و زلف.

❖ میدان، گو و چوگان

پ) باغ باران خورده می نوشید نور

لرزشی در سبزه های تر دوید

❖ باغ، باران و سبزه.

❖ باران و تر.

ت) نرگس از چشمک زدن شد فتنه در صحن چمن

گروه دبیران ادبیات کشور

شیوه های چشم جادوی توام آمد به یاد

❖ نرگس، چشمک، فتنه، چشم و جادو.

❖ نرگس و چمن.

ث) باغ بی برگی / روز و شب تنهاست / ساز او باران، سرودش باد

❖ باغ بی برگی، باران و باد.

❖ ساز و سرود.

❖ روز و شب.

ج) آتش آن نیست که از شعله ی او خنک شد شمع

آتش آن است که در خرمن پروانه زدند

❖ آتش، شعله، شمع و پروانه.

❖ آتش، خرمن و شعله.

چ) تا ز باغ خاطرات گل های شادی بشکفتد،

هر چه در دل تخم کین داری، بریز و خاک کن

❖ باغ، گل ها، بشکفتد، تخم و خاک.

❖ شادی، کین و دل.

ح) از اسب پیاده شو، بر نطع زمین رخ نه

زیر پی پیلش بین شهمات شده نعمان

❖ اسب، پیاده، نطع، رخ، پیل و شهمات.

خ) بمیر ای دوست پیش از مرگ اگر می زندگی خواهی

<https://t.me/adabiate10>

گروه دبیران ادبیات کشور

دانلود از اپلیکیشن پادرس



که ادريس از چنين مردن بهشتی گشت پيش از ما

❖ بمير، مرگ، زندگي، مردن، بهشت و ادريس.

(د) دولت عشق بين که چون از سر فقر و افتخار

گوشه ي تاج سلطنت مي شکند گدای تو

❖ دولت، افتخار، تاج و سلطنت.

❖ فقر و گدا.

(ذ) هر چه رفت از عمر، یاد آن به نيکی می کنند

چهره ي امروز در آينه ي فردا خوش آيند

❖ نيکی و خوش.

❖ چهره و آينه.

❖ امروز و فردا.

(ر) آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی

دست خود ز جان شستم از برای آزادی

❖ سر، پا، دست و جان.

۲_ در ابیات زیر تلمیح را مشخص کنید و دانسته های مورد نظر را توضیح دهید.

الف_ حرفی است این که خضر به آب بقا رسید

زین چرخ دل سیه، دم آبی ندید کس

❖ اشاره به داستان حضرت خضر که به آب حیات یا حیوان دست یافت و از آن نوشید و عمر جاودانه یافت.

<https://t.me/adabiate>

گروه دبیران ادبیات کشور

ب_ جهان منزل راحت اندیش نیست

ازل تا ابد یک نفس بیش نیست

❖ مصراع اول تلمیح به آیه ی ۴ سوره ی بلد "لقد خلقنا الانسان فی کبد"

همانا ما انسان را در رنج آفریدیم.

❖ مصراع دوم تلمیح به آیه ی ۴۵ سوره یونس.

"و یوم نحشروهم کأن لم یلیثوا إلا ساعة من النهار یتعارفون بینهم"

(به یاد آور روزی را که (خداوند) آن ها را جمع (و محشور) می سازد آن چنان که (احساس می کنند) گویی جز ساعتی از روز، (در دنیا) توقف نکردند، به آن همدار که یکدیگر را (بیند و) بشناسند.

پ_ چشمی دارم چو لعل شیرین همه آب

بختی دارم چو چشم خسرو همه خواب

جسمی دارم چو جان مجنون همه درد

جانی دارم چو زلف لیلی همه تاب

❖ بیت اول تلمیح به داستان عاشقانه خسرو و شیرین.

❖ بیت دوم تلمیح به داستان دلدادگی لیلی و مجنون.

ت_ گواه رهرو آن باشد که سردش یابی از دوزخ

نشان عاشق آن باشد که خشکش بینی از دریا

❖ مصراع اول تلمیح به داستان حضرت ابراهیم که نمرود وی را در آتش افکند و به فرمان خداوند آتش سرد و گلستان شد.

❖ مصراع دوم تلمیح دارد به داستان حضرت موسی که به فرمان خداوند آب نیل شکافته شد و او و یارانش به سلامت از آب عبور کردند.

ث_ من نمازم را وقتی می خوانم / که اذاتش را باد گفته باشد / سر گل دسته ی سرو / من نمازم را پی تکبیره الاحرام علف می خوانم / پی قد

قامت موج

❖ تلمیح ب آیه ی " یسبح لله ما فی السماوات و ما فی الارض الملك القدوس العزيز الحكيم.

آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است خدایی را که پادشاه پاک ارجمند فرزانه است، را تسبیح می گویند.

ج_ دامن خاک شد ز بسد و لعل

تاج فرعون و گنج دقیانوس

❖ "تاج فرعون" تلمیح به داستان ستمگری و ثروت اندوزی فرعون فرمانروای مصر باستان که به علت تکبر و سرکشی به عذاب خدا گرفتار شد.

❖ "گنج دقیانوس" تلمیح به داستان ستمگری و بت پرستی دقیانوس امپراتور روم باستان که دعوی خدایی کرد و هرکس به خدایی او اقرار نمی کرد، هلاک می کرد.

چ_ شور شیرین تو را نازم که بعد از قرن ها

هر که لاف عشق زد، نامی هم از فرهاد برد

❖ تلمیح به داستان دلدادگی فرهاد نسبت به شیرین که سرانجام بر سر این دلدادگی جان خود را از دست داد.

ح_ ناقه سنگین می رود در هر قدم گویی ز شوق

روح مجنون چنگ در دامان محمل می زند

❖ تلمیح به داستان عاشقانه لیلی مجنون دارد و روز عروسی لیلی با ابن سلام که لیلی سوار بر شتر به خانه بخت خود می رود در حالی که مجنون در غم او می سوخت.

خ_ در آینه دوباره نمایان شد / باز آن سرود سرخ انالحق / با ابر گیسوانش در باد / ورد زبان اوست .

❖ تلمیح به داستان حسین بن منصور حلاج عارف بزرگ ایرانی که می گفت: " انا الحق " و به استاد به کلامش او را کافر خواندند و بی آن که سخن او را بفهمند وی را در بغداد کشتند و سوزاندند و خاکسترش را در دجله انداختند.

۳_ آرایه تضمین را در اشعار و عبارات زیر پیدا کنید و ارتباط تضمین را با قسمت های دیگر متن مشخص کنید.

الف_ ایوب با چندین بلا، کاندرا بلا شد مبتلا

پیوسته این بودش دعا: "الصبر مفتاح الفرج"

"سنایی"

❖ "الصبر مفتاح الفرج" تضمین سخنی از امام علی (ع).

"صبر کلید گنجایش است"

چون بیت دعوت به صبر و بردباری در مقابل سختی هاست و در واقع ایوب پیامبر نماد بردباری است و به شکیبایی در مقابل بلاها، امراض و رنج ها مشهور بود و در قرآن هم از او یاد شده است.

ب. گفت غالب اشعار او (سعدی) در این زمین به زبان فارسی است، اگر بگوی، به فهم نزدیک تر باشد "كَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ"

"گلستان سعدی"

❖ "كَلِمَ النَّاسِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ" تضمین حدیثی از پیامبر اکرم (ص).

اشاره به این که اشعار سعدی برای عموم، ساده و قابل فهم است و با حدیث ارتباط معنایی دارد.

پ. مکن گریه بر گور مقتول دوست

قل الحمد لله که مقبول اوست

"بوستان سعدی"

❖ "قل الحمد لله" تضمین بخشی از آیه ی قرآن (آیه ۵۹ سوره نمل / آیه ۲۵ سوره لقمان / آیه ۱۱۱ سوره اسراء و)

در این بیت سعدی بخشی از آیه قرآن را به صورت کنایه ذکر کرده و کنایه از خرسندی و شاکر بودن.

می گوید:

بر سر گور کسی که کشته ی عشق دوست است، گریه نکن؛ بلکه باید الحمد لله گفت و خدا را شکر کرد که مورد پذیرش دوست قرار گرفته و در راه دوست و معشوق کشته شده است.

ت. چشم حافظ زیر بام قصر آن حوری سرشت

شیوه ی "جنات تجری تحتها الانهار" داشت

"حافظ"

❖ "جنات تجری تحتها الانهار" تضمین بخشی از آیه ی ۱۰۰ سوره توبه.

در این بیت حوری سرشت، یار حافظ است و خانه یار مانند قصر بهشتی است و چشم حافظ مانند جویباریست که در غم دوری یار و معشوق در پای دیوار خانه معشوق می گرید مجموع این احوال به بهشت می ماند که حوری در قصر بهشتی است و از فرو دست آن جویباری روان است.

ث. عاکفان کعبه ی جلالش به تقصیر در عبادت معتزلی که "ما عبدناكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ".

"سعدی"

❖ "ما عبدناكَ حَقَّ عِبَادَتِكَ" تضمین بخشی از حدیث پیامبر اکرم (ص).

متن در مورد اعتراف گوشه نشینان به کوتاهی کردن در عبادت است که می گویند: ما خداوند را آن گونه که شایسته است عبادت نکردیم. و در واقع سعدی به زیبایی حدیث را به عنوان مورد اعتراف ذکر کرده و دنباله ی مطلب خود کرده است.

۴_ شعر فرخی یزدی را در خود آزمایی (۱) از نظر قلمرو فکری تحلیل کنید. ﴿﴾

آن زمان که بنهادم سر به پای آزادی

دست خود ز جان شستم از برای آزادی

از موضوعات برجسته عصر بیداری و مشروطه "آزادی و وطن" است که بسیار مورد توجه شاعران این دوره بوده است؛ فرخی یزدی یکی از شاعران آزادی خواه این دوره است که دست از اندیشه های پرشور آزادی و وطنی برداشت و در نهایت جانش را در راه آزادی فدا کرد این بیت نیز سر آغاز یکی از سروده های وطنی اوست.

۵ بیت زیر را بعد از تقطیع هجایی، به دو صورت برش بزنید و وزن آن را بنویسید: ﴿﴾

بگشود گره ز زلف زر تار

محبوبه ی نیلگون عماری

بگشود گره ز زلف زر تار

محبوبه ی نیلگون عماری

مفعول مفاعله فاعله مفعول

بگشود گره ز زلف زر تار

محبوبه ی نیلگون عماری

مستفعل فاعله فاعله

<https://t.me/adabiate> . گروه دبیران ادبیات کشور

#گروه دبیران ادبیات کشور

#تحلیل درس سوم

#علوم و فنون ادبی دوازدهم

#مراعات نظیر تلمیح و تضمین

تیرماه ۹۷ تهیه و تنظیم: مریم بهوندی - رامهرمز.



گروه دبیران ادبیات کشور . <https://t.me/adabiate>

